



حالات دل مثل فصول چهارگانه است / اقبال و ادبار دل را رهبری کنید

تفسیر و شرح نامه ها و خطبه های نهج البلاغه مولا علی(ع)، از عمده ترین و مهمترین مؤلفه های جلسات درس اخلاق حضرت علامه جوادی آملی بشمار می رود. این نوشتار به یکی از آنها می پردازد.

تفسیر و شرح نامه ها و خطبه های نهج البلاغه مولا علی(ع)، از عمده ترین و مهمترین مؤلفه های جلسات درس اخلاق حضرت علامه جوادی آملی بشمار می رود. این نوشتار به یکی از آنها می پردازد.

به گزارش خبرگزاری مهر، تفسیر و شرح نامه ها و خطبه های نهج البلاغه مولا علی(ع)، از عمده ترین و مهمترین مؤلفه های جلسات درس اخلاق آیت الله جوادی آملی بشمار می رود. حضار محترم نیز اعم از قشر روحانیت و دانشجو و عموم مردم خدا جو آنها از شهرهای مختلف با نکته برداری و کتابت مطالب مطرح شده توسط استاد کوشا و حلقه های گمشده معرفتی خود را در این محفل نورانی جویا هستند.

در بخش سوم راههای اصلاح اخلاق در اندیشه علوی، با تمسک به فرمایش امیر سخن، به توجه بیش از پیش به حالات و یا اقبال و ادبار دل و رهبری احوالات گوناگون آن جهت بهره مندی از دعا و مواهب الهی سخن به میان آمده است که در ذیل از نظری گذرانیم:

آیت الله جوادی آملی با اشاره به حکمت ۲۲ نهج البلاغه امیر مؤمنان (ع) بیان کرد: بیان نورانی از وجود مبارک حضرت امیر در نهج البلاغه هست که فرمود: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِذْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوَافُلِ وَ إِذَا أُذْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْقَرَائِصِ» این دل، مثل فصول چهارگانه است، یعنی مثل زمان که گاهی بهاری دارد و گاهی پاییزی، گاهی اقبالی دارد و گاهی ادباری. اگر دل در حالت بهار بود، شکوفایی و اقبال داشت، از نوافل نگذرید، سعی کنید، نافله ها را ترک نکنید و اگر دل، آن آمادگی را ندارد، شما بر دل تحمیل نکنید و فقط واجب ها را انجام دهید، نگویید حتماً نماز شب بخوانم چرا که آن نماز شبی که با ادبار دل همراه است، با کراهت آمیخته است و کمتر انسان، توفیق پیدا می کند، لذا حضرت فرمود: دل خود را نرنجانید و با دل کنار بیاوید.

خلد گر به پا خاری آسان بر آید *** چه سازم به خاری که در دل نشیند

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی *** ز بامی که برخاست مشکل نشیند

آیت الله جوادی گفت: با دل باید کنار آمد، او رهبری ما را به عهده دارد؛ این بیان نورانی وجود مبارک امیرمؤمنان(سلام الله علیه) یک بیان جامعی است، برای اینکه انسان در هیچ حال از عبادت زده و خسته نشود و با شادابی نماز بخواند، با شادابی رکوع و سجود برود، با شادابی نماز شب بخواند، فرمود: دل یک وقت بهار است، یک وقت پاییز، وقتی پاییز دل شد، او را نرنجانید، به همان واجبات اکتفا کنید؛ اما یک وقت اقبال دارد و روبه روست، شکوفاست، در این هنگام او را در جلسات و گعده ها نبرید.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به صفات «دائم الفیض و دائم القصل» بودن خداوند متعال، به ارزش و اهمیت دعا اشاره داشته و گفت: یکی از برجسته ترین راه اخلاق، ارتباط نیایش و دعاست. در درون ما، همواره یک خاطرهای گریز و گرایشی هست، چه کار کنیم؟ از وجود مبارک رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) این حدیث نورانی نقل شد که به خدا عرض می کند: خدایا همان طوری که جان ما را با توحید آفریدی، قلب ما را با توحید سیراب کن! «عُرِضَتْ عَلَى بَطْحَاءِ مَكَّةَ دَهْبًا فَقُلْتُ يَا رَبِّ لَا وَ لَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا وَ أَجُوعُ يَوْمًا فَإِذَا شَبِعْتُ حَمَدُكَ وَ شَكَرْتُكَ وَ إِذَا جُعْتُ دَعَوْتُكَ وَ ذَكَرْتُكَ» این سرزمین دل با آبیاری شخص شما، ثمر شجر شیرین ایمان را به ما و جامعه عطا کند.

آیت الله جوادی ادامه داد: وجود مبارک پیغمبر(ع) فرمود: از دعا بهره وافی ببرید، همیشه دعا مستجاب است، هیچ وقت دعا بر نمی گردد؛ زیرا او «دائم الفیض علی البریه» است، «دائم القصل علی البریه» است، در رحمت او باز است؛ منتها در بعضی از موارد بازتر و گشوده تر است. بخش هایی که مربوط به زمان و زمین است، بخش های بیرونی است، آن بخش ها را همه می توانند، درک کنند، شب های جمعه هست، روزهای عرفه هست، روزهای مناسب دیگری است که دعا مستجاب است، همیشه دعا مستجاب است، مخصوصاً در این ازمنه یا در آن امکنه یا در کنار مشاهد مشرفه در مساجد و مانند آن.

جوادی آملی تصریح کرد: گفته اند، اگر باران نازل می شود، یکی از مواردی است که دعا مستجاب است، اینها حالات بیرونی است که باید مواظب باشیم؛ اما آن حالت درونی که حضرت به ما فرمود، مواظب باشید، فرمود: «اغتنموا الدعاء عند الرقة فانه رحمة»، فرمود: گاهی انسان قساوتی نسبت به شخصی یا نسبت به حادثه‌ای، خشن برخورد می کند، عصبانی است و مانند آن، گاهی با یک قلب نرم زندگی می کند، فرمود: اگر در درون خود احساس رقت کردید، معلوم می شود، قابلیت شما برای دعا کردن آماده است، از طرف مبدأ فاعلی، وقتی باران نازل می شود، معلوم می شود که آن بخشنده، می خواهد ببخشد، از طرف مبدأ فاعلی، فرصت های مناسبی هست که انسان کشف می کند که او می خواهد ببخشد، از طرف مبدأ قابلی هم فرمود: اگر در خود، رقت احساس کردید، اگر کسی نسبت به شما بدی کرد، احساس کردید که باید صرف نظر کنید، اگر درصدد انتقام بودید، احساس کردید که باید عفو کنید، «تخفیف عفو». اگر چنین حالتی را در خود احساس کردید، این موقعیت استجابت دعاست، از این فرصت بهره بگیرید و با خدا مناجات کنید.

وی افزود: دعا کردن، برای انسان چه مشکل داشته باشد، چه مشکل نداشته باشد، نافع است. اگر مشکل نداشته باشد، دعا دفع مشکل می کند، نمی گذارد، حادثه تلخی به وجود بیاید و اگر - خدای ناکرده - مشکلی داشت، رفع مشکل می کند، نمی گذارد، این مشکل بماند یا دفعاً یا رفعاً دعا نافع است. وقتی انسان احساس وحدت امت اسلامی کرد و در درون خود رقت احساس کرد، برای همسایه‌های خود، کشور و ملت خود، جامعه انسانی و اسلامی دعا می کند، این دعا‌های ماه مبارک رمضان، روش تربیتی خوبی است: «اللهم اُسِّعْ كُلَّ جَائِعٍ»؛ همه اینها موجه کلیه است، دیگر زیرنویس نشده مسلمان و کافر، چون اگر مشکلات همه اینها حل شود، ما راحت تر زندگی می کنیم، اگر همه اینها مشمول این دعا‌های ماه پُر برکت رمضان باشند: «اللهم اُعِنْ كُلَّ فَقِيرٍ، اللهم اشفِ كُلَّ مَرِيضٍ» همه اینها نشانه سعه رحمت اوست، به ما هم گفتند: «مشروح‌الصدر» باشید، وقتی «مشروح‌الصدر» باشیم، برای همه می طلبیم و رفاه یک فرد در سایه رفاه دیگران است، اگر دیگران عاقل تر بیاندیشند، عقلانی تر بیاندیشند و عاقل تر باشند، او راحت تر زندگی می کند، این یک مراقبت ویژه‌ای لازم است.

این حکیم متأله راهکار عملی اقبال همیشگی دل را توجه به مسبّحات و اجتناب از پرخوری دانسته و ابراز داشت: بیان نورانی پیغمبر(ص) این است که «فی انصافِ البُطون»؛ یعنی نصف شکم را پُر کردید، بس است، بقیه را برای آب و برای نفس بگذارید، آدم این قدر غذا می خورد که آروغ بزند. این از بیانات نورانی پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) است، او که مثل اعلای ادب بود، او کسی بود که نه تنها برای انسان‌ها، بلکه برای همه افراد، قبل از نبوّت خود حرمت خاصی قائل بود، آن روزها، روزهای برده‌داری بود، برده‌ها را به عنوان غلام و عبد و امه صدا می کردند و می گفتند، عبد و امه. قبل از نبوّت وجود مبارک حضرت؛ هرگز به یک بنده نگفته بود عبد؛ هرگز به یک کنیز نگفته بود امه. تعبیر نورانی حضرت، قبل از نبوّت این بود که فتا و فتات؛ یعنی پسر جوان و فتات، یعنی دختر جوان، این ادب را حضرت قبل از نبوّت داشت، بعد از نبوّت هم که سر تا پای حیات حضرت ادب بود که بارها شنیدید.

آیت الله جوادی اظهار داشت: این پیامبر با آن ادب، دید کسی در حضور او آروغ زده، فرمود: «احْفِضْ جَسَاكَ» آدم این قدر غذا می خورد که در مجلس آروغ بزند. فرمود: «فی انصافِ البُطون»؛ شما نمی دانید، چقدر غذا بخورید، وقتی آدم همیشه از کنار سفره سیرشده بلند شود، این دیگر طلبه فاضل نمی شود، این دیگر یک دانشجوی فاضل نمی شود، این نه در حوزه استاد می شود، نه در دانشگاه استاد می شود، آدم پرخور هرگز محقق نمی شود، آن قدر نخورید که بعد از خوردن ناچار باشید، دراز بکشید، همان مقدار که بدن لازم دارد، بخورید. این «فی انصافِ البُطون» شعار رسمی آن حضرت بود، فرمود: نیمی از شکم را پُر کردید، بس است، این تعبیرهای آن حضرت بود، آدم فراغت پیدا کند تا از شکم بالا بیاید، سری به دل بزند، ببیند، در دل او چه خبر است، ما اگر خواستیم ببینیم، این دل اقبال است و با ما همکاری می کند یا ادبار دارد، با ما همکاری نمی کند، یک فراغت می خواهد، ما باید از سطح شکم بالا بیاییم و به سطح دل برسیم آنهم با اصحاب دل و اصحاب قلب، نه اصحاب بطن. وقتی به قلب رسیدیم، آن وقت می توانیم، رصد کنیم، چه وقت او با ما همراه است و چه وقت همراه نیست، چه وقت اقبال دارد، چه وقت ادبار دارد. حال اگر دل اقبال کرد، فرمود: «فاحملوها على التواقل» نافله‌ها تنها آن چند رکعت شب و روز نیست، بلکه قرائت قرآن و زیارت هم هست.